

بهشت از منظر تصویر اوصاف و القاب

آمنه شاهنده

عظیم و ... را داراست. (شرکا گیتی، اوصاف و مراتب بهشت در قرآن از دارالسلام تا جنت فردوس، گلستان قرآن، تیر ۱۳۸۱، ش ۱۱۹، ص ۳)

دارالسلام

در قرآن آیات بسیاری بر وجود نعمت‌های مادی تصریح دارد که نقطه آغاز و ابتدای این نعمت‌ها، صحرای محشر است که از آنجا بهشتیان به دارالسلام که یکی از القاب بهشت است خوانده می‌شوند: «وَاللّٰهُ يَدْعُوْا اِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِيْ مَنْ يَّشَاءُ اِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ» (سوره یونس، آیه ۲۵) از نظر لغوی به معنای جای امن و آرام و سلامت است. دارالسلام نمایانگر محیطی آرام و امن است که مملو از صفا و صمیمیت و همدلی و یکرنگی بوده و صلح و آرامش و دوستی و یکرنگی در آن موج می‌زند. این رستگاران با هدایت نوری که مقابل آنها می‌درخشد و مسیر و راه را برای آنها روشن می‌کند به سوی بهشت با شتاب در حرکت‌اند، و در همان حال بشارت بهشت‌هایی به آنها داده می‌شود که از زیر درختانش نهرهایی جاری است: «يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَىٰ نُورُهُمْ بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرٰكُمُ الْيَوْمَ جَنٰتٌ

همانطور که می‌دانیم خداوند متعال در آیات شریف قرآن کریم تصویری از ویژگی‌ها و خصوصیات بهشت و شرح و توصیف زندگی بهشتیان را تبیین می‌کند که بررسی دقیق این آیات (که در اکثر آنها خداوند متعال مؤمنان با ایمان و پرهیزکار را به چنین پاداشی بشارت می‌دهد) علاوه بر نمودار ساختن هدف خداوند متعال از خلقت و دوستی و لطف بی‌نهایت نسبت به انسان، می‌تواند موجب انگیزه و دلگرمی و ایجاد شور و شوق در انتخاب راهی باشد که انسان همواره و به طور فطری در پی آن بوده است. هم‌چنین درک درست این آیات می‌تواند راهنمایی باشد که پیش از مرگ نیز انسان را از یک زندگی بهشتی بهره‌مند می‌نماید. واژه بهشت از نظر لغوی به معنای جنت، فردوس، مینو، باغی که از خوبی و خرمی نظیر نداشته باشد و جایی که نیکوکاران بعد از مردن همیشه در آنجا خواهند بود و مقابل آن دوزخ است که جای بدکاران است. (عمید حسن. فرهنگ فارسی عمید. نشر امیر کبیر، ج ۱، ص ۳۹۳). بهشت موعود دارای مراتب و درجاتی مانند جنت نعیم، مأوا، عدن و فردوس است ولی علاوه بر مراتب، اوصاف و القابی مانند: دارالسلام، دارالارث، دارالرضا، دارالمقام و فوز



دارالارت

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (سوره حدید، آیه ۱۲) و آثار بشارت و مژده که مبین مسرت باطنی آنهاست در چهره‌های آنها کاملاً مشهود است (سوره غاشیه، آیات ۹ و ۸). در محل ورودی بهشت، فرشتگان نگهبان با پیام «أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ» (سوره حجر، آیه ۴۶) به آنها خوش آمد می‌گویند و آرامشی کامل را که نمایانگر خروج هرگونه کینه و کدورت و بدبینی از سینه‌های آنهاست را به آنها بشارت می‌دهند «و نَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ اِخْوَانًا» (سوره حجر، آیه ۴۷). نکته

دارالرضا

بهشت، عالم تجرد و اطلاق است و برای مؤمنان به مجرد درخواست باطنی و مشیت درون هرچه خواهند موجود می‌شود «لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ» (سوره شوری، آیه ۲۲). در حقیقت اراده انسان در

این نکته است که رستگاران بهشتی برای همیشه در آنجا مخلصند چون بهشت جایگاهی است که کسی از آن بیرون نمی‌رود و به مکان دیگری کوچ نمی‌کند و هیچ‌گونه رنج و مشقتی به او نمی‌رسد و از همین‌روست که بهشتیان زبان به حمد و ستایش حق می‌کشایند و شکرگزار خداوندی می‌شوند که هرگونه حزنی را از آنها برطرف کرده است. (سوره فاطر، آیات ۳۵ و ۳۴). مسئله خلود و سکونت همیشگی در بسیاری از آیات مربوط به بهشت و جهنم آورده شده و این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند، با آن‌که عمر انسان محدود است و میزان اعمال و فعالیت انسان نیز محدود، پس انسان چگونه در بهشت مخلص است؟ در پاسخ می‌توان گفت: انسان مؤمن اگر در دنیا هم مخلص بود، همیشه با همین خصوصیات زندگی می‌کرد.

بهشت مظهر و نشان اراده پروردگار شده و معدومات را لباس وجود می‌پوشاند. بنابراین همه‌چیز برای او مهیا و آماده شده و وی به رضایت کامل می‌رسد. از طرفی راه یافتن و رسیدن به بهشت، نتیجه اطاعت و عبادت و رسیدن بنده به مقام عبودیت است و از آنجا که رسیدن به مقام عبودیت و بندگی محض، هدف خداوند متعال از خلقت انسان است، به همین خاطر رضای الهی را به دنبال خواهد داشت، یعنی بهشت دارالرضاست چون خداوند از بنده، راضی و بنده از خداوند راضی است: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ» (سوره مائده، آیه ۱۱۹)

دارالمقام

بهشت، دارالمقام یا دارالخلد است و این وصف، بیانگر



عالم آخرت متنوع است و انسان بهشتی، پویاست نه ساکن. زیرا دائماً در معرض تجلیات گوناگون قرار دارد. از تجلیات مادی به رضوان الهی صعود می‌کند و در فضای ربوبیت حق به تماشای آفرینش می‌نشیند، بنابراین بهشت جایگاه ماندگار متنوع است. همچنین چون انسان بُعدی جاودانه دارد که جز به جاودانگی قانع و راضی نمی‌شود و به دلیل اینکه انسان در ساحت جسم و نفس محدود و در ساحت روح، نامحدود است، بنابراین روح از عالم خلق نیست بلکه از عالم امر است. (سوره اسری، آیه ۸۵) و عالم امر آغاز و انجام ندارد.

فوز عظیم

بهشت «فوز عظیم» است یعنی جامع بین نعمت‌های مادی و معنوی است و مژده‌ای است به مؤمنان به جهت معامله‌ای که با خدا کرده‌اند و نشان‌دهنده این است که خداوند، تنها خریدار مال و جان مؤمنان است: «فَاسْتَبِشْرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (سوره توبه، آیه ۱۱۱)

مراتب بهشت

ابن عباس نقل می‌کند که باغ‌های بهشت هشت عدد است: جنة المأوی، دارالجلال، دارالقرار، دارالسلام، بهشت عدن، بهشت خلد، بهشت فردوس و بهشت نعیم. (پیام قرآن، ج ۶، ص ۳۵۰)

اولین مرتبه از مراتب بهشت جنت نعیم است که همان بهشت افعال است. پوینده راه حق در این بهشت با نعمت‌هایی چنان وسیع روبه‌رو می‌شود که

در تصور نمی‌گنجد. (سوره زخرف، آیه ۷۱). توضیح این‌که واژه نعیم هفده بار در قرآن کریم آورده شده که همه درباره نعمت‌های عظیم بهشت است، غیر از آیه (سوره تکوین، آیه ۸) که همه مفسران بر این عقیده‌اند که منظور از نعیم در آیه مذکور، نعمت ولایت است. چون مراد از نعیم، مطلق نعمت‌هاست که خداوند به انسان ارزانی فرموده و مسلماً نعمت ولایت اهل بیت(ع) ارزنده‌ترین مصادیق نعمت است چون با راهنمایی آنهاست که نعمت‌ها هرکدام در جای خود به کار گرفته شده و شکر آن گزارده می‌شود. معصومین(ع) واسطه فیض خالق به مخلوق هستند بنابراین هر انسانی در برابر این نعمت عظیم مورد سؤال قرار خواهد گرفت.

جنت مأوا

جنت مأوا مرتبه دیگری از مراتب والای بهشت است که با تمام نعمت‌ها و برکاتش نخستین وسیله پذیرایی از میهمانان الهی است: «أما الذين آمنوا و عملوا الصالحات فلهم جنات المأوی نُزُلًا بما كانوا يعملون» (سوره سجده، آیه ۱۹) زیرا کلمه نُزُل به معنای نخستین چیزی است که با آن از مهمان پذیرایی می‌کنند و تقدم کلمه لهم بر جنات المأوی نیز اشاره دارد به این‌که خداوند متعال این باغ‌های بهشت را مخصوص بهشتیان و نیکان قرار داده و عاریتی نیست و احتمال از بین رفتن نعمت‌ها هرگز آرامش فکر و روح و روان آنها را برهم نمی‌زند.

ادامه دارد...